دست‌آخر

واکنش رسانه اسپانیایی به نوازنده نی‌انبان ایرانی

گروه هنر: محسن شریفیان، پژوهشگر ایرانی و نوازنده ساز نی‌انبان، در حاشیه یک فستیوال فرهنگی- هنری در اسپانیا مورد تمجید رسانه‌های این کشور قرار گرفت.

سالنامه کاتا یک نشریه تخصصی مربوط به ساز نی‌انبان است که از سال ۱۹۸۶ به شکلی منظم توسط مدرسه موسیقی اورنسه اسپانیا منتشر می‌شود. سی‌ویکمین شماره این نشریه که جدیدترین سالنامه آن مجموعه است، در شش صفحه به معرفی محسن شریفیان، نوازنده ایرانی ساز نی‌انبان، پرداخته و از تاریخ و جغرافیای بوشهر تا موسیقی و سازهای نی‌انبان، نی تکی و نی جفتی را به مخاطبان خود معرفی کرده است.

محسن شریفیان، پیش از این نیز در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی دنیا، از جمله دانشگاه تورنتو و کنسرواتوار موسیقی مسکو و همچنین سمینارها و فستیوال‌های متعدد به معرفی موسیقی بوشهر و به‌ویژه ساز نی‌انبان پرداخته است.

«عکس خانوادگی» در تماشاخانه سنگلج

نمایش «عکس خانوادگی» به نویسندگی «محمود استادمحمد» و با طراحی و کارگردانی «رضا بهرامی» از ۲۰ خرداد و بعد از تعطیلات لیالی ارژنشمند قدر در تماشاخانه سنگلج در ساعت ۲۰ به صحنه می‌رود.

«عکس خانوادگی» روایت زندگی زنی تنهاست که با مشکلات زیادی مواجه بوده و همین مشکلات سبب ایجاد مسائلی در حال شده است.

پرستو گلستانی، مهران امام‌بخش و امیر عدل‌پور بازیگرانی هستند که در این نمایش ۴۵ دقیقه‌ای به ایفای نقش می‌پردازند.

«رضا بهرامی» کارگردان جوان تئاتر که پیش از این در سال گذشته با نمایش «بیست‌متری» در تماشاخانه باران به صحنه رفته بود، در تازه‌ترین تجربه کارگردانی خود به سراغ یکی از متون کلاسیک محمود استادمحمد رفته است.

«محمود استادمحمد» در سال ۸۵ قصد اجرای نمایش «عکس خانوادگی» با بازی پرستو گلستانی و مرتضی ضرابی را داشت که به دلایلی در تمرین باقی ماند و استادمحمد موفق به اجرای این اثر نشد.

از دیگر عوامل این اثر می‌توان به کهبد تاراج (مشاور کارگردان)، الهام شعبانی (طراح لباس)، امیر ترحمی (طراح نور)، شایان جعفری (طراح پوستر و بروشور)، فیروزه فیاض‌بخش (مدیر تولید)، حسین طاهریخش (کارگاه آریانا) (ساخت دکور)، حمیدرضا نادر (دستیار کارگردان)، مرضیه صباح (مدیر صحنه)، نیلا تاجیخت، مسیب کریمی و ابوالفضل شفیعی (میدیان صحنه)، آزاده شفیعی (روابط‌عمومی)، یاسمن پورکاوه (عکاس) و حامد قریب (مشاور رسانه‌ای) اشاره کرد. نمایش «عکس خانوادگی» با طراحی و کارگردانی «رضا بهرامی» از ۲۰ خرداد، هرشب ساعت ۲۰ روی صحنه خواهد رفت و علاقه‌مندان به تماشای این اثر می‌توانند برای خریداری بلیت به سایت تیوال مراجعه کنند.

حامد همایون بازیگر «ماموریت غیرممکن» شد

فیلم سینمایی «ماموریت غیرممکن» یک طنز اجتماعی با محوریت فرار مغزها و تولید داخلی است که فیلمبرداری آن ۲۰ خرداد در تهران آغاز می‌شود.

هنوز از بازیگران فیلم خبری منتشر نشده، ولی شنیده‌ها حاکی از حضور محمدرضا شیفی‌نیا و چندین بازیگر چهره و بچه خواننده مشهور پاپ کشور در فیلم است که بانست آنها را نقش خود و به عنوان خواننده در فیلم حضور داشته باشند.

حامد همایون با اجرای ترانه «خوز چیست»، در فیلم، اولین خواننده «ماموریت غیرممکن» خواهد بود.

استفاده از آخرین تکنولوژی روز زمینه را برای نمایش ویژه بصری از ویژگی‌های ماموریت غیرممکن خواهد بود.

در خلاصه داستان آمده است: کریم عاشق خواندگی است و بدون اینکه بداند ماموری است که ماموریت دارد فرمولی را در دانشمندی سرقت کند. پس از متوجه‌شدن این داستان، کریم دو راه بیشتر ندارد... .

نت‌های شهرزاد امین‌الله حسین را به ما بدهید تا اجرا کنیم

گفت‌وگوی «شرق» با شهرداد روحانی، رهبر ارکستر سمفونیک

ساناز سید اصفهانی

عکس: مهدیار نائلی شری

شهرداد روحانی این‌گونه خود را معرفی می‌کند: «من در کنار رهبری ارکستر، قطعاتم را می‌سازم منتها نمی‌توانم تمام آثار خودم را با ارکستر سمفونیک تهران اجرا کنم. خیلی به‌ندرت پیش می‌آید که یک آهنگ‌ساز، رهبر ارکستر هم باشد. خیلی از رهبرهای بزرگ ارکستر دنیا هیچ وقت آهنگ‌ساز نبوده‌اند، مثل کاراپان یا زوبین مهتا... در نتیجه این دو رشته ربطی به هم ندارند. اما اگر کسی بتواند در هر دو متخصص باشد و انجامش دهد، خب کامل‌تر است»، او نیازی به معرفی ندارد. در ادامه گفت و گوی «شرق» را با ایشان بخوانید.

★ «شهرداد روحانی» به‌مثابه آهنگ‌سازیا «شهرداد روحانی» به‌مثابه رهبر ارکستر سمفونیک، کدام‌یک به ایدئولوژی و فعالیت‌هایتان نزدیک‌تر است و کدام‌یک انرژی بیشتری از شما می‌گیرد؟

طبیعتا آهنگ‌سازی انرژی بیشتری از من می‌گیرد. چون باید از هیچ، چیزی را خلق کنم در نتیجه کار سخت‌تری است. اما درباره رهبری ارکستر، باید اثر آهنگ‌سازهای دیگر را جلویم بگذارم. درمورد‌ش مطالعه کنم و یاد بگیرم و بعد با ارکستر کار کنم. درنتیجه از لحاظ سختی کار، به نظرم آهنگ‌سازی کار مشکل‌تری است.

★ در مصاحبه‌هایتان همیشه گفته‌اید با اینکه بیشتر وقت‌تان صرف رهبری ارکستر سمفونیک می‌شود، اما آهنگ‌سازی را ترجیح می‌دهید. پس چرا در زمینه آهنگ‌سازی کمتر کار می‌کنید؟

کمتر کار نمی‌کنم! من در کنار رهبری ارکستر، قطعاتم را می‌سازم منتها نمی‌توانم تمام آثار خودم را با ارکستر سمفونیک تهران اجرا کنم. خیلی به‌ندرت پیش می‌آید که یک آهنگ‌ساز، رهبر ارکستر هم باشد. خیلی از رهبرهای بزرگ ارکستر دنیا هیچ وقت آهنگ‌ساز نبوده‌اند، مثل کاراپان یا زوبین مهتا... در نتیجه این دو رشته ربطی به هم ندارند. اما اگر کسی بتواند در هر دو متخصص باشد و انجامش دهد، خب کامل‌تر است. اگر یک موزیسین، هم نوازنده، هم رهبر و هم آهنگ‌ساز خوبی باشد و هم بتواند خود ساز بزند، طبیعی است که کامل‌تر است. ولی خیلی از رهبرهای بزرگ دنیا، همان‌طور که گفتم، الزاما آهنگ‌ساز نبوده‌اند. من در زمینه آهنگ‌سازی کمتر کار نمی‌کنم. وقتی دارم یک قطعه‌ای را می‌نویسم شاید شش ماه یا یک سال طول بکشد تا تمام شود. وقتی آهنگ‌ساز اثری را بنویسد، تازه باید اجرا شود. این اجراشدن خودش زمان طولانی می‌برد. از زمان خلق یک اثر تا اجرای آن گاهی سال‌ها طول می‌کشد. مثلا آهنگ‌سازان بزرگی مثل «بتهوون» همان وقت که قطعه‌ای را می‌نوشتند، همان زمان هم که اجرا نمی‌کردند! همان‌طور که گفتم، ممکن است سال‌ها طول بکشد تا به اجرا برسد.

★ با توجه به اینکه خودتان هر دو زمینه نوازندگی ویلن و پیانو تخصص دارید، آیا در تقسیم زمان بین رشته‌ها دچار سرکشگی یا گاهی دچار انسداد نمی‌شوید؟

شاید وقتی می‌بینند که کار جدی است و می‌دانند نتیجه کار خوب خواهد شد، با عشق و علاقه وارد ارکستر می‌شوند. تمرین می‌کنند و می‌نوازند. باز هم دوست دارم بسادگی کنم که هر چقدر من بگویم هم نیست؛ از آن برنامه ضبط نشده بوده. همه می‌توانند به این ویدئوها و مستندات مراجعه کنند. این هم نسبت که عده‌ای می‌گویند من خیلی عجلم. من خیلی فلان هستم! خب چه اهمیتی دارد. اگر من دارم جدیه کار می‌کنم؟ هیچ وقت از خودم تعریف نکرده و ادعا نداشته‌ام. منتها مهم‌ترین مدرک و سند و دفاعم ویدئوهای کارهایم است که انتشار پیدا کرده‌اند.

★ با توجه به اینکه پیش‌تر در یکی از کفت‌وکوهایتان گفته بودید که روان‌شناسی مخاطب برایتان اهمیت دارد و مخاطب موسیقی ارکسترال کم و بیش پایین رفته، تصمیم دارید با موسیقی فیلم مخاطب را به سالن دعوت کنید تا تشویق شود. در واقع می‌خواستید با اجرای موسیقی فیلم تالار را احیا کنید؟

خیر. من اصلا چنین چیزی نگفته‌ام. این حرف من نیست. موسیقی فیلم خوش‌ساز دارد و موسیقی کلاسیک خوش‌ساز. ممکن است عده‌ای موسیقی کلاسیک دوست داشته باشند و عده‌ای موسیقی فیلم را یا هر دو را دوست داشته باشند. فراموش نکنید در تمام مدتی که من مسئولیت ارکستر سمفونیک را قبول کردم، حتی یک بار هم کنسرت موسیقی فیلم نداشتیم. ممکن است یک قطعه یا دو قطعه از موسیقی یک فیلم را در کنسرتی اجرا کرده باشیم، اما اینکه کنسرتی مختص به موسیقی فیلم داشته باشیم؛ خیر نداشتیم.

★ پس قطعاتی که از فیلم محمد رسول‌الله یا به‌درخواند یا اجراهای اینروزه داشتید مختص یک شب نبوده؟

نخیر. همان‌طور که گفتم در یک کنسرت موسیقی کلاسیک من یک قطعه از یک موسیقی فیلم را اجرا کرده‌ام، اما اینکه همه این موسیقی فیلم‌ها در یک کنسرت باشد، اصلا چنین چیزی نبوده. البته من این کار را در کنسرت‌های مختلف انجام می‌دهم. این‌طور که دعوت می‌شوم صرفا به خاطر کنسرت موسیقی فیلم یا برای موسیقی کلاسیک یا هر دو آنها. اما من صرفا برای اینکه بخواهم بینندگان را به سالن بکشانم، اجرای مختلف فیلم نگذاشته‌ام. همان‌طور که خودتان اشاره کردید انیو موریکونه، یک قطعه بسیار زیبا دارد که برای ایوا و اراکسترر رقابی نوشته شده. من می‌خواستم از رقابی از نوازندگان ارکستر سمفونیک به عنوان سولیست دعوت کنم و به همین مناسبت چون دنبال یک قطعه مناسب بودم و دیدم این قطعه خیلی در دم می‌خورد، اجرایش کردم و مورد توجه قرار گرفت. اما اصلا معتقد نیستم که برای علاقه‌مندکردن مردم به موسیقی کلاسیک، یا موسیقی فیلم این کار را کنیم. ممکن است در آینده چنین اجرایی داشته باشیم. در مورد موسیقی فیلم‌ها در رسوالله هم ماستینی بوده که ما این موسیقی را در آن اجرا کردیم. ما قبلا برنامه‌ای داشتیم که در غرب هم رایج است؛ یعنی خانواده یا بچه‌هایش می‌توانند بیاید به سالن تا موسیقی را بشنوند. اصطلاحا به آن می‌گویند کنسرت خانوادگی (موزیک فیملی). در آن برنامه ما از بروکفیف که قطعاتی برای بچه‌ها نوشته اجرا کردیم که ما یک راوی داریم که داستان پیتر و گرگ را روایت می‌کند. منتها اینکه یک فیلم وجود دارد که در حال تعریف‌کردن است. هر شخصیتی را به یک ساز تشبیه می‌کند. در دوره‌های موتسارت، ایرا نقش فیلم را بازی می‌کرد، ایرا یک هنرکاملا است. هم اکتینگ، هم بازیگری، هم دکور، هم موسیقی، هم شعر و هم لیبرتو هست و همه در آن دخیل هستند.

★ در موسیقی کلاسیک ما جای خالی ایرا محسوس نیست؟

حتما هست. اما ربطی به ما ندارد! ایرا یک‌جنر خاص است؛ برای مثال شعر آن را هیچکسی نمی‌فهمد، زیرا آن نوع خواندن که از تکنیک خاصی استفاده می‌کند. اصلا قابل درک نیست. بعدها برایش ساب‌تایتل گذاشتند. حتی در وین برای مخاطبان این شعرها که به زبان آلمانی اجرا می‌شوند، زیرنویس می‌گذارند. اگر ایرا نباشد ما چیز مهمی را از دست نمی‌دهیم. هرچند که بخش مهمی از موسیقی کلاسیک و کمیوسش بالاخره حس می‌شود. اما ما با اجراهای خوب از قطعات مهم چهانی می‌توانیم جای خالی آن را پر کنیم.

★ با توجه به اینکه شما در خارج از کشور در اجراهای زیادی رهبری داشته‌اید و در جریان‌اید. آیا ایرا در آن‌سوی مرزها هم مخاطبان خود را از دست می‌دهد؟

بله خیلی جدی دست‌اند؛ صد درصد. بسیاری جدیتن ایراهاوس (خانه‌ایرا) در آمریکا ورشکست شدند. اصلا در آنجا را بسته‌اند. چون هزینه خیلی زیادی دارد؛ هزینه لباس و کروه و دکور و خیاط و گریمه و کروه گر و... ! اینها همه خرج دارد. می‌دانید که ایرا سیاهی‌لشکر زیاد دارد. خب همه اینها هزینه دارد. یکی از دلایلی که ایراها ورشکست شدند، این است که بلیت‌فروشی جواب آن هزینه‌ها را نمی‌دهد. اگر نیویورک فلارمونیک یا سن‌فرانسیسکو ایرا یا... هنوز باقی مانده‌اند، به‌دلیل بودجه‌ای است که به آن اختصاص می‌دهند. این بودجه سالانه ۱۵۰ میلیون دلار است. شما دوتان؛ حساب کنید یک‌صدم بودجه ارکستر سمفونیک تهران است! بودجه‌شان صد برابر ساده و جالب‌تر اجرایشه که ایران دولت برای اینها کمک نمی‌کند، شرکت‌های خارجی و اسپانسر دارند. اما در اروپا دولت از خرما حمایت می‌کند.

★ با توجه به اینکه تمپوی کنسرتم گرفته بودید در بعضی اجراهای ارکستر سمفونیک قطعه‌ای از موسیقی فیلمی را هم اجرا کنید، آیا فکر نمی‌کنید جای خالی موسیقی فیلم‌های خودمان محسوس است؟ برای مثال آثار آقایان احمد پژمان، مرتضی حنانه، بابک بیات، مجید انتظامی و... ؛ مثلا موسیقی فیلم‌های مطرحی مثل دلشدگان یا قیصر یا جزاردستان یا سربداران و روزی روزگاری!

اگر ما برنامه موسیقی فیلم داشته باشیم. اگر می‌کنیم. من تمرکزم روی موسیقی کلاسیک است. ولی اگر برنامه موسیقی فیلم داشته باشیم که یخواهیم از آهنگ‌سازان موسیقی فیلم جای کار کنیم، حتما قصد قطعه از آهنگ‌سازان موسیقی فیلم ایرانی کار می‌کنیم. ببینید قیصر که اصلا برای ارکستر سمفونیک نوشته نشده است. این‌طور که شما می‌گویید انگار من هر ماه دارم موسیقی فیلم اجرا می‌کنم!

★ چرا اولویت شما موسیقی فیلم خارجی است؟

موسیقی‌ای که در دنیا مطرح است هم برای نوازنده‌های ارکستر سمفونیک جذاب‌تر است و هم برای شنوندگان. ولی مطمئنا اگر برنامه‌ای در آینده باشد که من بخواهم کنسرت موسیقی فیلم داشته باشم، حتما قطعاتی از آهنگ‌سازان ایرانی که در زمینه موسیقی فیلم کار کرده‌اند، اجرا می‌کنم. اما توجه داشته باشید که این قطعه‌ها باید برای ارکستر سمفونیک نوشته شده باشند؛ یعنی صرفا چون یک موسیقی فیلمی کل کره است، نمی‌شود با ارکستر سمفونیک اجرا کرد. ضمن اینکه باید نت‌هایش هم باشد.

★ تجربه این استمرار و تمرین‌های ارکستر چقدر به جهانی‌شدن موسیقی ما کمک کرده است؟ اصلا موسیقی ما چگونه جهانی می‌شود؟ با قطعه‌هایش یا با چیزی نوازندگان جهان را در نواختن ساز؟

هیچ‌کدام! موسیقی به خودی خود که نمی‌تواند مطرح شود. آهنگ‌ساز باید ابتری بنویسد که در سطح جهانی باشد، یعنی از آهنگ‌سازهای ما آثارش در سطح جهانی است. مثل آقایان علیرضا مشایخی، احمد پژمان، حسین دهلوی و... . ممکن است تنها نفر را هم از یاد برده باشم. آثار این آهنگ‌سازان در سطح جهانی‌اند. وقتی که این آثار در سطح جهان، نه فقط ایران، اجرا شوند و اجراهای متعدد پیدا کنند، آن آهنگ‌ساز مطرح شود. خود موسیقی که دست‌وپا ندارد که مطرح شود؛ آهنگ‌ساز باید آن را مطرح کند.

★ چطور وقتی یک عرب یا روس یا آفریقایی به محض که آهنگ زمینه یکی از آثار موتسارت را هم می‌شنود، سریع او را می‌شناسد و می‌گوید این اثر موتسارت است؟ اما این اتفاق درباره موسیقی ما با آهنگ‌سازهای ما هنوز که هنوز اتفاق نداد!

موتسارت یکی بوده. فقط ما نیستیم! آهنگ‌های کشورهای دیگر هم مثل موتسارت مطرح و مشهور نشده. موتسارت و بتهوون و برامس و غیره استثنائی هستند که تا اینکه بیشتر از ۲۰۰ سال از مرگشان می‌گذرد، باز هم هر روز اجرا می‌شوند و خیلی هم آثارشان مورد توجه است. موتسارت در طول عمر ۳۵ ساله خود ۶۵۰ اثر نوشت! بیشتر آثار موتسارت جزء رپورتوارهای روز ارکسترهای مطرح دنیاست. ولی آثار یک آهنگ‌ساز باید قابلیت این را داشته باشد که همه ارکسترهای دنیا بخواهند آن را اجرا کنند.

★ در اوایل کارتان در ارکستر گفته بودید مایل‌اید در کنار آثار کلاسیک به هنرمندان خودمان هم اجرا دعوت و آثار نیز اجرایی باشند باشد. از چه کسانی اجرا کرده‌اید؟

باز هم شما را ارجاع می‌دهم به ویدئوها و صفحه‌هایمان. از آقایان حسین دهلوی، پورتاب، شاهین فرحت (به رهبری یک رمبر مهیمان)، خشمت سنجری، هوشنگ کامکار و... . آیا این آهنگ‌سازان ایرانی نیستند؟ ولی در آینده باز هم از آهنگ‌سازانی که کمتر شناخته‌شده‌اند، اجرا خواهیم داشت. منتها شما یک چیزی را فراموش نکنید. آثار باید در آن سطحی باشد که وقتی می‌خواهم پروکرام (برنامه)ی ارائه بدهم آن آثار آهنگ‌ساز ایرانی هم با قطعات جهانی برابری کند.

★ آقای روحانی واقعا سونیت شهرزاد امین‌الله حسین چه چیزی کمتر از شهزاد قورساک دارد؟! با توجه به اینکه شهزاد قورساک را اجرا می‌برید. اما شهزاد حسین را نه؟ (با خندد) اصول منظوم ارائه و اجراهای آثار امین‌الله حسین که تقریبا در تمام اثرهایش نشده.

شهزاد امین‌الله حسین چیزی کمتر از شهزاد قورساک ندارد! اما شما نت‌های شهزاد امین‌الله حسین را به ما بدهید ما اجرا کنیم. خب‌اینها نیست!!!

★ اجرا شده، چطور نت‌هایش نیست؟

در ایران اجرا نشده است. ۶۰ سال پیش شهزاد اجرا شده و الان دیگر اجرا نمی‌شود.

★ شما با هراکان موسیقی در کشور، نباید برای جمع‌آوری بارتیورهای داخلی و خارجی همتی کنند و آستین بالا بزنید تا ما هم نت‌های شهزاد و بارتیورهای آهنگ‌سازان جهان را در آنسوی خودمان داشته باشیم؟

از کجا می‌دانید که نیست؟ این کار انجام شده است. شما فکر می‌کنید چون کارهای اثار آهنگ‌ساز ما هنوز نیست، این پژوهش و گردآوری انجام نشده؟ اگر الان شما کتابخانه ارکستر سمفونیک را نگاه کنید، تعداد بسیاری از آثار آهنگ‌سازان ایرانی آنجا هست. از قدیم بوده و به نوت‌های بدنویسی تبدیل شده‌اند. ارکستر سمفونیک کتابخانه‌ای دارد که ۸۰ سال پیش از زمان تاسیس ارکستر به صورت مدون تمام آثار را جمع‌آوری و شماره‌گذاری کرده است.

★ ولی خیلی از بارتیورهای آهنگ‌سازان هم مسلم در این کتابخانه نیست!

خیلی از آهنگ‌سازها هم خودشان تمایل ندارند آثارشان را به کتابخانه ارکستر سمفونیک بدهند. صرفا به این دلیل که ما قانون مؤلف و... ندارایم و مال خارج نیست. در خارج از این هراثری از هر آهنگ‌سازی که اجرا شود، باید به آهنگ‌سازش دستمزد و هزینه بدهند. اگر نیویورک فلارمونیک یا سن‌فرانسیسکو اینا را... هنوز باقی مانده‌اند، به‌دلیل بودجه‌ای است که به آن اختصاص می‌دهند. این بودجه سالانه ۱۵۰ میلیون دلار است. شما دوتان؛ حساب کنید یک‌صدم بودجه ارکستر سمفونیک تهران است! بودجه‌شان صد برابر ساده و جالب‌تر اجرایشه که ایران دولت برای اینها کمک نمی‌کند، شرکت‌های خارجی و اسپانسر دارند. اما در اروپا دولت از خرما حمایت می‌کند.

★ با توجه به اینکه تمپوی کنسرتم گرفته بودید در بعضی اجراهای ارکستر سمفونیک قطعه‌ای از موسیقی فیلمی را هم اجرا کنید، آیا فکر نمی‌کنید جای خالی موسیقی فیلم‌های خودمان محسوس است؟ برای مثال آثار آقایان احمد پژمان، مرتضی حنانه، بابک بیات، مجید انتظامی و... ؛ مثلا موسیقی فیلم‌های مطرحی مثل دلشدگان یا قیصر یا جزاردستان یا سربداران و روزی روزگاری!

شاید وقتی می‌بینند که کار جدی است و می‌دانند نتیجه کار خوب خواهد شد، با عشق و علاقه وارد ارکستر می‌شوند. تمرین می‌کنند و می‌نوازند. باز هم دوست دارم بسادگی کنم که هر چقدر من بگویم هم نیست؛ از آن برنامه ضبط نشده بوده. همه می‌توانند به این ویدئوها و مستندات مراجعه کنند. این هم نسبت که عده‌ای می‌گویند من خیلی عجلم. من خیلی فلان هستم! خب چه اهمیتی دارد. اگر من دارم جدیه کار می‌کنم؟ هیچ وقت از خودم تعریف نکرده و ادعا نداشته‌ام. منتها مهم‌ترین مدرک و سند و دفاعم ویدئوهای کارهایم است که انتشار پیدا کرده‌اند.

★ با توجه به اینکه پیش‌تر در یکی از کفت‌وکوهایتان گفته بودید که روان‌شناسی مخاطب برایتان اهمیت دارد و مخاطب موسیقی ارکسترال کم و بیش پایین رفته، تصمیم دارید با موسیقی فیلم مخاطب را به سالن دعوت کنید تا تشویق شود. در واقع می‌خواستید با اجرای موسیقی فیلم تالار را احیا کنید؟

خیر. من اصلا چنین چیزی نگفته‌ام. این حرف من نیست. موسیقی فیلم خوش‌ساز دارد و موسیقی کلاسیک خوش‌ساز. ممکن است عده‌ای موسیقی کلاسیک دوست داشته باشند و عده‌ای موسیقی فیلم را یا هر دو را دوست داشته باشند. فراموش نکنید در تمام مدتی که من مسئولیت ارکستر سمفونیک را قبول کردم، حتی یک بار هم کنسرت موسیقی فیلم نداشتیم. ممکن است یک قطعه یا دو قطعه از موسیقی یک فیلم را در کنسرتی اجرا کرده باشیم، اما اینکه کنسرتی مختص به موسیقی فیلم داشته باشیم؛ خیر نداشتیم.

★ پس قطعاتی که از فیلم محمد رسول‌الله یا به‌درخواند یا اجراهای اینروزه داشتید مختص یک شب نبوده؟

نخیر. همان‌طور که گفتم در یک کنسرت موسیقی کلاسیک من یک قطعه از یک موسیقی فیلم را اجرا کرده‌ام، اما اینکه همه این موسیقی فیلم‌ها در یک کنسرت باشد، اصلا چنین چیزی نبوده. البته من این کار را در کنسرت‌های مختلف انجام می‌دهم. این‌طور که دعوت می‌شوم صرفا به خاطر کنسرت موسیقی فیلم یا برای موسیقی کلاسیک یا هر دو آنها. اما من صرفا برای اینکه بخواهم بینندگان را به سالن بکشانم، اجرای مختلف فیلم نگذاشته‌ام. همان‌طور که خودتان اشاره کردید انیو موریکونه، یک قطعه بسیار زیبا دارد که برای ایوا و اراکسترر رقابی نوشته شده. من می‌خواستم از رقابی از نوازندگان ارکستر سمفونیک به عنوان سولیست دعوت کنم و به همین مناسبت چون دنبال یک قطعه مناسب بودم و دیدم این قطعه خیلی در دم می‌خورد، اجرایش کردم و مورد توجه قرار گرفت. اما اصلا معتقد نیستم که برای علاقه‌مندکردن مردم به موسیقی کلاسیک، یا موسیقی فیلم این کار را کنیم. ممکن است در آینده چنین اجرایی داشته باشیم. در مورد موسیقی فیلم‌ها در رسوالله هم ماستینی بوده که ما این موسیقی را در آن اجرا کردیم. ما قبلا برنامه‌ای داشتیم که در غرب هم رایج است؛ یعنی خانواده یا بچه‌هایش می‌توانند بیاید به سالن تا موسیقی را بشنوند. اصطلاحا به آن می‌گویند کنسرت خانوادگی (موزیک فیملی). در آن برنامه ما از بروکفیف که قطعاتی برای بچه‌ها نوشته اجرا کردیم که ما یک راوی داریم که داستان پیتر و گرگ را روایت می‌کند. منتها اینکه یک فیلم وجود دارد که در حال تعریف‌کردن است. هر شخصیتی را به یک ساز تشبیه می‌کند. در دوره‌های موتسارت، ایرا نقش فیلم را بازی می‌کرد، ایرا یک هنرکاملا است. هم اکتینگ، هم بازیگری، هم دکور، هم موسیقی، هم شعر و هم لیبرتو هست و همه در آن دخیل هستند.

★ در موسیقی کلاسیک ما جای خالی ایرا محسوس نیست؟

حتما هست. اما ربطی به ما ندارد! ایرا یک‌جنر خاص است؛ برای مثال شعر آن را هیچکسی نمی‌فهمد، زیرا آن نوع خواندن که از تکنیک خاصی استفاده می‌کند. اصلا قابل درک نیست. بعدها برایش ساب‌تایتل گذاشتند. حتی در وین برای مخاطبان این شعرها که به زبان آلمانی اجرا می‌شوند، زیرنویس می‌گذارند. اگر ایرا نباشد ما چیز مهمی را از دست نمی‌دهیم. هرچند که بخش مهمی از موسیقی کلاسیک و کمیوسش بالاخره حس می‌شود. اما ما با اجراهای خوب از قطعات مهم چهانی می‌توانیم جای خالی آن را پر کنیم.

★ با توجه به اینکه شما در خارج از کشور در اجراهای زیادی رهبری داشته‌اید و در جریان‌اید. آیا ایرا در آن‌سوی مرزها هم مخاطبان خود را از دست می‌دهد؟

بله خیلی جدی دست‌اند؛ صد درصد. بسیاری جدیتن ایراهاوس (خانه‌ایرا) در آمریکا ورشکست شدند. اصلا در آنجا را بسته‌اند. چون هزینه خیلی زیادی دارد؛ هزینه لباس و کروه و دکور و خیاط و گریمه و کروه گر و... ! اینها همه خرج دارد. می‌دانید که ایرا سیاهی‌لشکر زیاد دارد. خب همه اینها هزینه دارد. یکی از دلایلی که ایراها ورشکست شدند، این است که بلیت‌فروشی جواب آن هزینه‌ها را نمی‌دهد. اگر نیویورک فلارمونیک یا سن‌فرانسیسکو ایرا یا... هنوز باقی مانده‌اند، به‌دلیل بودجه‌ای است که به آن اختصاص می‌دهند. این بودجه سالانه ۱۵۰ میلیون دلار است. شما دوتان؛ حساب کنید یک‌صدم بودجه ارکستر سمفونیک تهران است! بودجه‌شان صد برابر ساده و جالب‌تر اجرایشه که ایران دولت برای اینها کمک نمی‌کند، شرکت‌های خارجی و اسپانسر دارند. اما در اروپا دولت از خرما حمایت می‌کند.

★ با توجه به اینکه تمپوی کنسرتم گرفته بودید در بعضی اجراهای ارکستر سمفونیک قطعه‌ای از موسیقی فیلمی را هم اجرا کنید، آیا فکر نمی‌کنید جای خالی موسیقی فیلم‌های خودمان محسوس است؟ برای مثال آثار آقایان احمد پژمان، مرتضی حنانه، بابک بیات، مجید انتظامی و... ؛ مثلا موسیقی فیلم‌های مطرحی مثل دلشدگان یا قیصر یا جزاردستان یا سربداران و روزی روزگاری!

اگر ما برنامه موسیقی فیلم داشته باشیم. اگر می‌کنیم. من تمرکزم روی موسیقی کلاسیک است. ولی اگر برنامه موسیقی فیلم داشته باشیم که یخواهیم از آهنگ‌سازان موسیقی فیلم جای کار کنیم، حتما قصد قطعه از آهنگ‌سازان موسیقی فیلم ایرانی کار می‌کنیم. ببینید قیصر که اصلا برای ارکستر سمفونیک نوشته نشده است. این‌طور که شما می‌گویید انگار من هر ماه دارم موسیقی فیلم اجرا می‌کنم!

★ چرا اولویت شما موسیقی فیلم خارجی است؟

موسیقی‌ای که در دنیا مطرح است هم برای نوازنده‌های ارکستر سمفونیک جذاب‌تر است و هم برای شنوندگان. ولی مطمئنا اگر برنامه‌ای در آینده باشد که من بخواهم کنسرت موسیقی فیلم داشته باشم، حتما قطعاتی از آهنگ‌سازان ایرانی که در زمینه موسیقی فیلم کار کرده‌اند، اجرا می‌کنم. اما توجه داشته باشید که این قطعه‌ها باید برای ارکستر سمفونیک نوشته شده باشند؛ یعنی صرفا چون یک موسیقی فیلمی کل کره است، نمی‌شود با ارکستر سمفونیک اجرا کرد. ضمن اینکه باید نت‌هایش هم باشد.

★ تجربه این استمرار و تمرین‌های ارکستر چقدر به جهانی‌شدن موسیقی ما کمک کرده است؟ اصلا موسیقی ما چگونه جهانی می‌شود؟ با قطعه‌هایش یا با چیزی نوازندگان جهان را در نواختن ساز؟

هیچ‌کدام! موسیقی به خودی خود که نمی‌تواند مطرح شود. آهنگ‌ساز باید ابتری بنویسد که در سطح جهانی باشد، یعنی از آهنگ‌سازهای ما آثارش در سطح جهانی است. مثل آقایان علیرضا مشایخی، احمد پژمان، حسین دهلوی و... . ممکن است تنها نفر را هم از یاد برده باشم. آثار این آهنگ‌سازان در سطح جهانی‌اند. وقتی که این آثار در سطح جهان، نه فقط ایران، اجرا شوند و اجراهای متعدد پیدا کنند، آن آهنگ‌ساز مطرح شود. خود موسیقی که دست‌وپا ندارد که مطرح شود؛ آهنگ‌ساز باید آن را مطرح کند.

★ چطور وقتی یک عرب یا روس یا آفریقایی به محض که آهنگ زمینه یکی از آثار موتسارت را هم می‌شنود، سریع او را می‌شناسد و می‌گوید این اثر موتسارت است؟ اما این اتفاق درباره موسیقی ما با آهنگ‌سازهای ما هنوز که هنوز اتفاق نداد!

موتسارت یکی بوده. فقط ما نیستیم! آهنگ‌های کشورهای دیگر هم مثل موتسارت مطرح و مشهور نشده. موتسارت و بتهوون و برامس و غیره استثنائی هستند که تا اینکه بیشتر از ۲۰۰ سال از مرگشان می‌گذرد، باز هم هر روز اجرا می‌شوند و خیلی هم آثارشان مورد توجه است. موتسارت در طول عمر ۳۵ ساله خود ۶۵۰ اثر نوشت! بیشتر آثار موتسارت جزء رپورتوارهای روز ارکسترهای مطرح دنیاست. ولی آثار یک آهنگ‌ساز باید قابلیت این را داشته باشد که همه ارکسترهای دنیا بخواهند آن را اجرا کنند.

★ در اوایل کارتان در ارکستر گفته بودید مایل‌اید در کنار آثار کلاسیک به هنرمندان خودمان هم اجرا دعوت و آثار نیز اجرایی باشند باشد. از چه کسانی اجرا کرده‌اید؟

باز هم شما را ارجاع می‌دهم به ویدئوها و صفحه‌هایمان. از آقایان حسین دهلوی، پورتاب، شاهین فرحت (به رهبری یک رمبر مهیمان)، خشمت سنجری، هوشنگ کامکار و... . آیا این آهنگ‌سازان ایرانی نیستند؟ ولی در آینده باز هم از آهنگ‌سازانی که کمتر شناخته‌شده‌اند، اجرا خواهیم داشت. منتها شما یک چیزی را فراموش نکنید. آثار باید در آن سطحی باشد که وقتی می‌خواهم پروکرام (برنامه)ی ارائه بدهم آن آثار آهنگ‌ساز ایرانی هم با قطعات جهانی برابری کند.

★ آقای روحانی واقعا سونیت شهرزاد امین‌الله حسین چه چیزی کمتر از شهزاد قورساک دارد؟! با توجه به اینکه شهزاد قورساک را اجرا می‌برید. اما شهزاد حسین را نه؟ (با خندد) اصول منظوم ارائه و اجراهای آثار امین‌الله حسین که تقریبا در تمام اثرهایش نشده.

شهزاد امین‌الله حسین چیزی کمتر از شهزاد قورساک ندارد! اما شما نت‌های شهزاد امین‌الله حسین را به ما بدهید ما اجرا کنیم. خب‌اینها نیست!!!

★ اجرا شده، چطور نت‌هایش نیست؟

در ایران اجرا نشده است. ۶۰ سال پیش شهزاد اجرا شده و الان دیگر اجرا نمی‌شود.

★ شما با هراکان موسیقی در کشور، نباید برای جمع‌آوری بارتیورهای داخلی و خارجی همتی کنند و آستین بالا بزنید تا ما هم نت‌های شهزاد و بارتیورهای آهنگ‌سازان جهان را در آنسوی خودمان داشته باشیم؟

از کجا می‌دانید که نیست؟ این کار انجام شده است. شما فکر می‌کنید چون کارهای اثار آهنگ‌ساز ما هنوز نیست، این پژوهش و گردآوری انجام نشده؟ اگر الان شما کتابخانه ارکستر سمفونیک را نگاه کنید، تعداد بسیاری از آثار آهنگ‌سازان ایرانی آنجا هست. از قدیم بوده و به نوت‌های بدنویسی تبدیل شده‌اند. ارکستر سمفونیک کتابخانه‌ای دارد که ۸۰ سال پیش از زمان تاسیس ارکستر به صورت مدون